عالی حوزه‌ی علمیه‌ی قم

مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه‌ی خواهران

مدرسه‌ی علمیه‌ی جوادالائمه(ع)

شهرستان آبدانان

عنوان

واکاوی بارزترین فوائد کار مطلوب و اشتغال زدایی بر زندگی انسان، در قرآن و حدیث

استاد راهنما :

رودابه رضائی

پژوهشگران :

آمنه جوشن

الهه پاکزاد

زینب حیدرزاده

فائزه گراوند

پاییز ۹۶

چکیده

از هنگامی که انسان بر کره زمین پدید آمد، برای رفع نیازهای خود نیازمند کار و کوشش بوده است، زندگی انسان بر محور کار و تلاش می‌گردد. و کار تلاش انسان جهت رسیدن به هدفی معین است.کار بزرگ‌ترین و شاید زیربنایی‌ترین بخش زندگی انسانی است وکلید گشایش هر استعدادی در درون انسان است، چرا که از کار می‌توان به جوهره درونی افراد پی برد و وقتی این جوهره‌های درونی آشکار شوند و استعدادهای بالقوه به منصه ظهور برسند می‌توان به وجود جامعه‌ای پویا امیدوار بود. در این مقاله سعی شده است با روشی توصیفی تحلیلی به واکاوی جایگاه فرآیند کار مطلوب در قرآن و حدیث پرداخته شود، که ابتدا به بررسی لغوی و اصطلاحی معنی کار پرداخته شده و در ادامه به آداب آن سپس به اهمیت کار در اسلام، و در قسمت آخر به آثار و فواید آن در زندگی فردی و اجتماعی پرداخته شده است.

کلید واژه: کار مطلوب، تلاش، قرآن، روایات.

مقدمه

در جهان‌بینی اسلامی، کار مطلوب مفهوم ویژه‌ای دارد و آثار آن تمام صحنه هستی را می‌گیرد و دنیا و آخرت را به هم گره می‌زند. در دین مبین اسلام، سلوک الهی دارای دو بخش است: بخش مادی و بخش معنوی؛ بخش مادیش کار است و بخش معنویش نماز، و از اینجا می‌توان به اهمیت کار مطلوب در جامعه اسلامی پی برد.

کار مطلوب در اسلام به عنوان یک امر مقدس شناخته شده است و بیکار ی مردود و مطرود شده است و آنچه از احادیث امامان معصوم(ع) برمی آید این است که، کار کردن به عنوان عملی دنیوی و اخروی که دارای اجر و ثواب بسیار است یاد نموده اند، و نسبت به آن سفارش‌های بسیاری کرده‌اند. در این آموزه‌ها، به کسی که برای اداره زندگی خانواده‌اش سعی و تلاش می‌کند، عنوان «جهاد کننده در راه خدا اطلاق شده است». همچنان که امام علی(ع) می فرماید: «ما غدوة أحدکم فی سبیل اللّه بأعظم من غدوته یطلب لولده و عیاله ما یصلحهم؛ درآمدن شما- اوّل صبح- برای جهاد در راه خدا، از درآمدن آن کس که برای تأمین زندگی خانواده خود تلاش می‌کند بالاتر نیست (و ارزش و اجرش بیشتر نیست).» (حسین بن محمد نوری، ١٤٠٨،ج١٣، ص ١٣)، همچنین در روایتی دیگر از امام کاظم(ع) نقل شده است که: «من طلب هذا الرّزق من حلّه، لیعود به علی نفسه و عیاله، کان کالمجاهد فی سبیل اللّه؛ آن کس که روزی حلال طلب کند تا به مصرف خود و نانخوران خود برساند، همچون کسی است که در راه خدا جهاد می‌کند.» (محمد بن یعقوب کلینی، ١٤٠٧، ج٥، ص ٩٣)

امامان و پیشوایان دین(ع) در سخن و عمل به مسئله کارمطلوب و اشتغال تأکید داشته و از بیکاری به شدت دوری کرده‌اند. در روایات آمده است کسی که به کار و تلاش مشغول است، از کسی که کار را رها کرده و به عبادت خدا مشغول است اجر و پاداشی فزون‌تر دارد. و نیز در روایات است که دعای بیکار هر چند عابد باشد مستجاب نمی‌شود.

در روایتی آمده است که امام صادق (ع) به علی بن عبدالعزیز می فرماید: « مَا فَعَلَ عُمَرُ بْنُ مُسْلِمٍ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاکَ أَقْبَلَ عَلَی الْعِبَادَةِ وَ تَرَکَ التِّجَارَةَ فَقَالَ وَیْحَهُ أَ مَا عَلِمَ أَنَّ تَارِکَ الطَّلَبِ لَا یُسْتَجَابُ لَهُ دَعْوَةٌ- إِنَّ قَوْماً مِنْ أَصْحَابِ رَسُولِ اللَّهِ ص لَمَّا نَزَلَتْ- وَ مَنْ یَتَّقِ اللَّهَ یَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجاً وَ یَرْزُقْهُ مِنْ حَیْثُ لا یَحْتَسِبُ أَغْلَقُوا

الْأَبْوَابَ وَ أَقْبَلُوا عَلَى الْعِبَادَةِ وَ قَالُوا قَدْ كُفِينَا فَبَلَغَ ذَلِکَ رَسُولَ اللَّهِ ص فَأَرْسَلَ إِلَيْهِمْ فَقَالَ مَا حَمَلَكُمْ عَلَى مَا صَنَعْتُمْ قَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ تَكَفَّلَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِأَرْزَاقِنَا فَأَقْبَلْنَا عَلَى الْعِبَادَةِ فَقَالَ إِنَّهُ مَنْ فَعَلَ ذَلِکَ لَمْ يَسْتَجِبِ اللَّهُ لَهُ عَلَيْكُمْ بِالطَّلَبِ ثُمَّ قَالَ إِنِّي لَأُبْغِضُ الرَّجُلَ فَاغِراً فَاهُ إِلَى رَبِّهِ يَقُولُ ارْزُقْنِي وَ يَتْرُکُ الطَّلَبَ؛ عمر بن مسلم چه می‌کند؟ عرض کردم فدایت شوم به عبادت رو کرده و دست از کسب و کار کشیده است، فرمود: ای وای! آیا نمی‌داند کسی که کار را رها کند هیچ دعائی از او به اجابت نمی‌رسد، بعد فرمود: جماعتی از اصحاب رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله هنگامی که آیه شریفه «وَ مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجاً وَ يَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لا يَحْتَسِبُ؛ و هر کس از خدا پروا کند، [خدا] برای او راه بیرون‌شدنی قرار می‌دهد. و از جایی که حسابش را نمی‌کند، به او روزی می‌رساند.»(طلاق/۲-۳) نازل شد مغازه‌های خود را بستند و در مسجد به عبادت رو آوردند و با خود می‌گفتند که خداوند ما را کفایت کرد، و این موضوع به گوش رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله رسید نزد آنها فرستاد و پرسید چه چیز شما را بدین کار که کرده‌اید واداشت؟ گفتند: یا رسول اللّه خداوند خود روزی ما را تکفّل فرموده لذا ما به عبادت و پرستش او رو کرده‌ایم، فرمود: براستی که هر کس چنین کند دعایش را خداوند اجابت نفرماید، بر شما باد که طلب روزی کنید و به کار و حرفه‌ای بپردازید، سپس فرمود: من دشمن دارم آن کس را که کار را ترک کند و دهان به روی آسمان بگشاید و بگوید: خداوندا، مرا روزی ده، و کوشش را رها کند.» (محمد بن علی ابن بابویه،۱٤۱۳، ج۳، ص ۱۹۲)

نقش کارمطلوب در تقویت و تهذیب خلق و خوی انسان نیز آشکار است، چه کار مسئولیّت است، و هر کس از این مسئولیّت آگاه شود و به ادای وظیفه بپردازد از بیکاری و بی‌مبالاتی دور می‌شود، و از مفاسد فراغت و زیانهای آن و زیانهای پرداختن به لهو و لعب در امان می‌ماند. بدین گونه نیروهای اخلاقی او شکفته می‌شود، و نفس آگاه به مسئولیّت وی که برای انجام دادن آن تلاش می‌کند مهذّب می‌گردد. البته زیانهای اخلاقی عاطل بودن و بیکاری واضح است، چنان که امام صادق «ع» به آن اشاره فرموده است:

«... و کان النّاس أیضا یصیرون بالفراغ إلی غایة الأشر و البطر حتّی یکثر الفساد و یظهر الفواحش؛ (اگر کار نمی‌بود و ضرورت نمی‌داشت) آدمیزادگان با فراغتی (بیکاریی) که برایشان پیش می‌آمد، به ناسپاسی و سرمستی گرفتار می‌شدند، و تباهی و زشتکاری همه جا را می‌گرفت.» (محمد باقر مجلسی، ۱٤۰۳، ج۳،ص ۱۰٦)

علاوه بر موارد، بالا اقتصاد که متّکی بر تصرّف کردن در طبیعت و هر چیزی است که در آن است، جز با کار به دست نمی‌آید؛ پس کارمطلوب برای اقتصاد همچون ستون برای خانه است، یعنی همان گونه که خانه بدون ستون پدید نمی‌آید، اقتصاد هم بدون کار مطلوب معنایی ندارد. و از این لحاظ میان اقتصاد فردی و اجتماعی تفاوتی نیست؛ پس بر آدمی واجب است که دارای پیشه و کاری باشد، به گونه‌ای که نیازمندیهای خود و اجتماع را تأمین کند و بر ثروت ملّت خویش بیفزاید؛ و برای همین خداوند نیروی کار کردن به آدمی داد؛ و به تعبیر امام سجّاد «ع»:

«ركّب فينا آلات البسط، و جعل لنا أدوات القبض، و متّعنا بأرواح الحياة، و أثبت فينا جوارح الأعمال؛در (پیکر) ما ابزار گشادن و گرفتن نهاد، و ما را از نیروهای حیاتی بهره‌مند ساخت، و به ما اندامهایی (دست و پا) برای کار کردن داد». (صحیفه سجادیه، دعای اول)

۱- تعریف لغوی و اصطلاحی کار مطلوب

کلمهٔ «کار» فارسی است اما این مفهوم در قرآن با واژه های مختلفی به کار مطلوب رفته است از جمله: فعل، عمل، کسب، شغل، صنع، جهد، سعی، کدح. این کلمات با مشتقات آنها علاوه بر موارد فراوان در روایات، در قرآن نیز بیش از ٦٠٠ بار به کار مطلوب رفته است.

که برخی اشاره می کنیم : «كُلُّ نَفْسٍ بِما كَسَبَتْ رَهينَةٌ؛ هر کسی در گروِ دستاورد خویش است.»(مدثر/۳۸)؛ « وَ مَنْ جاهَدَ فَإِنَّما يُجاهِدُ لِنَفْسِهِ إِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ عَنِ الْعالَمين؛ و هر که بکوشد، تنها برای خود می‌کوشد، زیرا خدا از جهانیان سخت بی‌نیاز است.» (عنکبوت/٦)؛ « يا أَيُّهَا الْإِنْسانُ إِنَّكَ كادِحٌ إِلى رَبِّكَ كَدْحاً فَمُلاقيهِ؛ ای انسان، حقّاً که تو به سوی پروردگار خود بسختی در تلاشی، و او را ملاقات خواهی کرد.»(انشقاق/٦).

از نظر لغوی «کار» به معنای فعل، عمل و کردار است. راغب اصفهانی واژه «عمل» را این گونه تعریف می کند:«هر فعلی را که حیوان از روی قصد انجام دهد، "عمل" نامیده می شود. مفهوم عمل از فعل، خاص تر و محدودتر است؛ زیرا "فعل" گاه در مورد اشیای جامد نیز به کار مطلوب می رود.» (حسین بن محمد راغب اصفهانی، ١٤١٢، ص ٥٨٧). «"عمل" به کار مطلوبی اطلاق می گردد که از روی عقل و فکر انجام شود، لاجرم با عمل و آگاهی همراه است، اما «فعل» از آن عامتر است.»(ابوهلال عسکری، ١٤١٢، ص ٣٨٣)

طبیعت نهفته و در اختیار بشر قرار داده است. اگر روزی بشر بتـواند گنجینه‌ها و دفینه‌های موجود در دل زمین را بشناسد و با همّت و تلاش آن را شناسایی، کشف و استخراج و توضیع عادلانه نماید دیگر فقیری در جهان نخواهد بود.

خداوند در سوره یس به ذکر نعمتهایی می پردازد که در اختیار انسان قرار داه تا آدمی با کار مطلوب و تلاش از این نعمت ها و موهبت های الهی بهترین استفاده را ببرد و نیازهای خود را برآورده سازد، «وَ جَعَلْنا فیها جَنَّاتٍ مِنْ نَخیلٍ وَ أَعْنابٍ وَ فَجَّرْنا فیها مِنَ الْعُیُون* لِیَأْکُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ وَ ما عَمِلَتْهُ أَیْدیهِمْ أَ فَلا یَشْکُرُون؛ و در آن [زمین] باغهایی از درختان خرما و تاک قرار دادیم و چشمه‌ها در آن روان کردیم. تا از میوه آن و [از] کارکردِ دستهایِ خودشان بخورند، آیا باز [هم] سپاس نمی‌گزارند؟.»(یس/۳٤-۳۵)

پیامبر اکرم می فرمایند:« لو أنّ رجلا أخذ حبلا فیأتی بحزمة حطب علی ظهره، فیبیعها فیکفّ بها وجهه، خیر له من أن یسأل؛ اگر مردی ریسمانی برگیرد و پشته هیزمی جمع کند، و آن را بر پشت خود نهاده بیاورد و بفروشد، و بدینسان (و با هیزم‌کشی) آبروی خود را نگاه دارد، بهتر از آن است که دست سؤال پیش کسی دراز کند.»(محمد بن حسن شیخ حر عاملی،۱٤۰۹، ج۹، ص ٤٤۳ ؛ احمد بن محمد ابن فهد حلی،۱٤۰۷، ص ۱۰۰)، همچنین در حدیثی دیگر می فرماید: «إذا أعسر أحدکم فلیخرج، و لا یغمّ نفسه و أهله؛ اگر کسی از شما گرفتار عسرت و تنگی شد باید دنبال کار برود، و خود و خانواده‌اش را گرفتار غم و اندوه (فقر) نسازد.»(محمد بن حسن طوسی، ۱٤۰۷، ج٦، ص۳۲۹ ؛ محمد بن احمد ابن ادریس،۱٤۱۰، ج۲، ص ۲۲۸)

با کار و تلاش فقر دفع می شود. کسب درآمد باعث می شود فرد بتواند به دیگران کمک کند و در بعد اجتماعی مفید و مؤثر باشد. امام باقر می فرماید: « من طلب (الرّزق فی) الدّنیا استعفافا عن النّاس، و توسیعا علی أهله، و تعطّفا علی جاره، لقی اللّه عزّ و جل یوم القیامة، و وجهه مثل القمر لیلة البدر؛ هر کس برای بی نیازی از مردم و تلاش برای رفاه خانواده و مهربانی و خیرخواهی به همسایه در طلب مال و امکانات زندگی برآید روز قیامت در حالی که صورتش همچون بدر درخشان است خداوند را ملاقات می‌کند.» (محمدرضا حکیمی؛ علی حکیمی،۱۳۸۰، ج۳، ص ۲۷۰)

٤-٤- رشد عقلانی و سرگرمی فکری

کار مطلوب، وسیله کسب تجربه انسان است و بر رشد عقلانی و اجتماعی او می‌افزاید. امام صادق(ع) می‌فرماید: «التِّجَارَةُ تَزِيدُ فِي الْعَقْلِ؛ تجارت عقل را رشد می‌دهد.» (حسین بن محمد نوری، ١٤٠٨،ج١٦، ص ٣٧٤ ؛ شیخ حر عاملی، ١٤١٤، ج٦، ص ١١)، همچنین در حدیثی دیگر می فرمایند:« تَرْكُ التِّجَارَةِ مَذْهَبَةٌ لِلْعَقْلِ؛ترک تجارت و داد و ستد با مردم عقل را می‌برد.» (محمد بن علی ابن بابویه، ١٤١٣، ج٣، ص ١٩٢)

شهید مطهری در این مورد می گوید: «کار و فعالیت موجب سرگرمی فکری است؛ یعنی فکر انسان متوجه اصلاح کار خویش است و این به نوبه خود این نتیجه را دارد که دیگر مجالی برای فعالیت قوه خیال و هوس های شیطانی باقی نمی ماند.(مرتضی مطهری، ١٣٨٩، ص ٢٠٠)، چرا که انسان یک نیرویی دارد و آن این است که دائماً ذهنش و خیالش کار می کند. اگر قوه خیال آزاد باشد، منشأ فساد اخلاق انسان می شود. «فکر انسان عادت می کند که همواره منظم کار کند. از بی انتظامی و پریدن از یک شاخه هوس به شاخه دیگر خلاص گردد.(همان ، ص ٢٠٠)، بدیهی است که یکی از اصول شخصیت انسان، همان استواری و استحکام و انتظام فکر اوست.

٤-٥- گسترش اخلاق اجتماعی و کاهش مفاسد

کار مطلوب و فعالیت سالم، نقش موثری در تکامل اخلاقی فرد و جامعه و پیشگیری از مفاسد اجتماعی دارد. این از آن روست که بیکاری و فراغت بیش از حد نیاز، به طور طبیعی فرصت و زمینه دست زدن به کارهای ناشایست و غیر اخلاقی را فراهم می سازد. افزون بر آن کار و تلاش و نشاط روحی و جسمی، زمینه ساز رشد فضایل اخلاقی، و فقدان آن موجب تیرگی جان و منتهی به سقوط اخلاقی می گردد. امروزه جوامع انسانی به پدیده اشتغال نیروی کار فقط از بعد اقتصادی توجه نمی کنند، زیرا بحران بیکاری، زمینه مفاسد گوناگون اجتماعی از قبیل اعتیاد، سرقت، اعمال ضد اخلاقی و ... را فراهم می‌سازد و بخش مهمی از درآمد خانواده ها صرف پر کردن ساعت فراغت فرزندان می شود.

امام باقر(ع) می فرمایند:« الْكَسَلُ يَضُرُّ بِالدِّينِ وَ الدُّنْيَا؛ سستی و تنبلی موجب خسارت به دین و دنیا است.» (حسن بن علی ابن شعبه حرانی، ١٤٠٤، ص ٣٠٠)

نتیجه گیری

زندگی آدمیان مبتنی بر کار مطلوب و تلاش است و اسلام دین کار مطلوب و تلاش، تکاپو و تحرک است. منطق قرآن کریم منطق کار مطلوب است. رمز موفقیت انسان‌ها در امور معنوی و مادّی در محوریت کار مطلوب و تلاش رقم می‌خورد. در نظام ارزشی اسلام کار مطلوب و تلاش اهمیت ویژه‌ای دارد، و آن را نوعی عبادت، وسیله ای برا کسب عزت، مایهٔ سعادت و خوشبختی، و رهایی از ذلت، دانسته است. و زندگی زاهدانه و دوری از اجتماع، پرهیز از کار مطلوب و تلاش و تکدی گری مذموم شمرده شده است.

آدمیان در نظام خلقت همانند دیگر مخلوقات، موجوداتی هستند که همواره در حال تکاپو و تلاشند و در پرتو کار مطلوب و کوشش مستمر می‌توانند قلّه‌های رفیع انسانیت و کمال را بپیمایند. در این نگاه تکاپو و تحرک برای تمامی آدمیان بلکه همه‌ی موجودات امر ضروری است، از این رو، جامعه‌ای که در آن بیکاری، کمبود شغل و تـنبلی نمود یابد، در برنامه ریزی‌ها، سیاست‌های کلان اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، و سرمایه گذاری‌ها، راه درستی نخواهد پیمود.

منابع و مآخذ

۱) قرآن

۲) نهج البلاغه

۳) صحیفه سجادیه

٤) مصباح الشریعه. منسوب به جعفربن محمد علیه السلام، امام ششم علیه السلام(١٤٠٠)؛ بیروت: اعلمی.

٥) ابن ادریس، محمد بن احمد(١٤١٠)؛ السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی(و المستطرفات)، ج ۲. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

٦) ابن بابویه، محمد بن علی(١٤١٣)؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۳. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۷) ابن شعبه حرانی، حسن بن علی(١٤٠٤)؛ تحف العقول. قم: جامعه مدرسین.

۸) ابن فهد حلی، احمد بن محمد(١٤٠٧)؛ عدة الداعی و نجاح الساعی،. تهران: دار الکتب الإسلامی.

۹) احمدی میانجی، علی(١٤٢٦)؛ مکاتیب الأئمة علیهم السلام، ج ۱. قم: دار الحدیث.

۱۰) تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد(١٣٦٦)؛ غررالحکم و دررالکلم. قم: دفتر تبلیغات.

۱۱) حکیمی، محمدرضا و حکیمی، محمد و حکیمی، علی(١٣٨٠)؛ الحیاه، ج ۱،٥. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

۱۲) راغب اصفهانی، حسین بن محمد(١٤١٢)؛ المفردات فی غریب القرآن. دمشق بیروت: دارالعلم الدار الشامیة.

۱۳) شیخ حر عاملی، محمد بن حسن(١٤١٤)؛ هدایة الأمة إلی أحکام الأئمة علیهم السلام، ج ٦. مشهد: آستانة الرضویة المقدسة، مجمع البحوث الإسلامیة.

١٤) شیخ حر عاملی ، محمد بن حسن(١٤٠٩)؛ وسائل الشیعة، ج ۹،۱۷. قم: مؤسسة آل البیت علیهم السلام.

۱٥) طباطبائی، سید محمد حسین(١٤١٧)؛ المیزان فی تفسیر القران، ج ۱،۱۰، ۱۳ . تهران: انتشارات اسلامی.

١٦) طوسی، محمد بن الحسن(١٤٠٧)؛ تهذیب الأحکام، ج ۲،۷. تهران: دار الکتب الإسلامیه.

۱۷) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه(١٤١٥)؛ تفسیر نور الثقلین، ج۱. قم: انتشارات اسماعیلیان.

۱۸) عسکری، ابوهلال(١٤١٢)؛ الفروغ اللغات. قم: موسسه نشر اسلامی.

۱۹) قضاعی، محمد بن سلامة(١٣٦١)؛ شرح فارسی شهاب الأخبار(کلمات قصار پیامبر خاتم ص). تهران:مرکز انتشارات علمی و فرهنگی.

۲۰) کاشانی، ملا فتح الله(۱۳٦۳)؛ خلاصه المنهج، ج ۱. تهران: انتشارات اسلامیه.

۲۱) کبیر مدنی، سید علیخان بن احمد(۱٤۰۹)؛ ریاض السالکین فی شرح صحیفهٔ سیّد الساجدین، ج ۳. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

۲۲) کراجکی، محمد بن علی(۱٤۱۰)؛ کنز الفوائد، ج۱. قم: دارالذخائر.

۲۳) کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق(۱٤۰۷)؛ الکافی، ج ۵،۷. تهران: دار الکتب الإسلامیهٔ.

۲٤) لیثی واسطی ، علی بن محمد(۱۳۷٦)؛ عیون الحکم و المواعظ(للیثی). قم: دارالحدیث.

۲۵) مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی(۱٤۰۳)؛ بحارالانوار، ج ۳. قم: دار احیاء و التراث العربی.

۲٦) مرزبانی، محمد بن عمران(۱۳۷۸)؛ مناجات الهیات حضرت أمیر علیه السلام و ما نزل من القرآن فی علیّ علیه السلام. تهران: وزارت ارشاد.

۲۷) مصطفوی، حسن(۱۳۸۰)؛ تفسیر روشن، ج ۵،۱۱ .تهران: مرکز نشر کتاب.

۲۸) مطهری، مرتضی(۱۳٦٦)؛ تعلیم و تربیت در اسلام. تهران: انتشارات الزهرا.

۲۹) مطهری، مرتضی (۱۳۸۹)؛ حکمت‌ها و اندرزها. تهران: صدرا.

۳۰) میبدی، حسین بن معین الدین(۱٤۱۱)؛ دیوان أمیر المؤمنین علیه السلام. قم: دار نداء الإسلام للنشر.

۳۱) میک، رونالد(۱۳۸۵)؛ پژوهشی در نظریه ارزش کار مطلوب، ترجمه: م سوداگر. تهران: پازند.

۳۲) نوری، حسین بن محمد تقی(۱٤۰۸)؛ مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱٦. قم: مؤسسهٔ آل البیت علیهم السلام.